

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بسمه تعالی

تأییدیه اعضای هیات داوران حاضر در جلسه دفاع کارشناسی ارشد


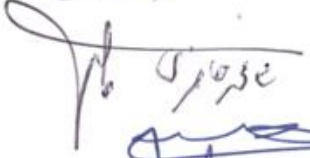



حسین آقا محمدی

اعضای هیات داوران نسخه نهایی پایان نامه آقای / کلیم ..... تحت عنوان

"..... بررسی تأثیر مدل های مختلف در ارزیابی عملکرد سیستم های ..."

را از نظر فرم و محتوا بررسی نموده و پذیرش آن را برای دریافت درجه کارشناسی ارشد

پیشنهاد می کنند.

رتبه علمی	نام و نام خانوادگی	اعضای هیات داوران
	علی سیدی	۱- استاد راهنما:
	علی محمد صادقی	۲- استاد مشاور:
	محمد سارکسرایی	۳- استاد ناظر:
	عباس مؤمنی	۴- استاد ناظر:
	عباس مؤمنی	۵- نماینده تحصیلان تکمیلی:

## آیین نامه چاپ پایان نامه (رساله) های دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس

نظر به اینکه چاپ و انتشار پایان نامه (رساله) های تحصیلی دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس، مبین بخشی از فعالیتهای علمی - پژوهشی دانشگاه است بنابراین به منظور آگاهی و رعایت حقوق دانشگاه، دانش آموختگان این دانشگاه نسبت به رعایت موارد ذیل متعهد می شوند:

ماده ۱: در صورت اقدام به چاپ پایان نامه (رساله) ی خود، مراتب را قبلاً به طور کتبی به «دفتر نشر آثار علمی» دانشگاه اطلاع دهد.

ماده ۲: در صفحه سوم کتاب (پس از برگ شناسنامه) عبارت ذیل را چاپ کند:

«کتاب حاضر، حاصل پایان نامه کارشناسی ارشد/ رساله دکتری نگارنده در رشته جایگاه فلسفی است که در سال

۱۳۹۰ در دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس به راهنمایی سرکار

خانم/جناب آقای دکتر علی ساعی، مشاوره سرکار خانم/جناب آقای دکتر علی محمدی فری

و مشاوره سرکار خانم/جناب آقای دکتر از آن دفاع شده است.»

ماده ۳: به منظور جبران بخشی از هزینه های انتشارات دانشگاه، تعداد یک درصد شمارگان کتاب (در هر نوبت چاپ) را به «دفتر نشر آثار علمی» دانشگاه اهدا کند. دانشگاه می تواند مازاد نیاز خود را به نفع مرکز نشر در معرض فروش قرار دهد.

ماده ۴: در صورت عدم رعایت ماده ۳، ۵۰٪ بهای شمارگان چاپ شده را به عنوان خسارت به دانشگاه تربیت مدرس، تأدیه کند.

ماده ۵: دانشجو تعهد و قبول می کند در صورت خودداری از پرداخت بهای خسارت، دانشگاه می تواند خسارت مذکور را از طریق مراجع قضایی مطالبه و وصول کند؛ به علاوه به دانشگاه حق می دهد به منظور استیفای حقوق خود، از طریق

دادگاه، معادل وجه مذکور در ماده ۴ را از محل توقیف کتابهای عرضه شده نگارنده برای فروش، تامین نماید.

ماده ۶: اینجانب جمیل اسد انانکری دانشجوی رشته فلسفه مقطع کارشناسی ارشد

تعهد فوق و ضمانت اجرایی آن را قبول کرده، به آن ملتزم می شوم.

نام و نام خانوادگی: جمیل اسد انانکری  
تاریخ و امضا: ۱۴۹۱/۱۱/۲۴

## آیین‌نامه حق مالکیت مادی و معنوی در مورد نتایج پژوهش‌های علمی دانشگاه تربیت مدرس

مقدمه: با عنایت به سیاست‌های پژوهشی و فناوری دانشگاه در راستای تحقق عدالت و کرامت انسانها که لازمه شکوفایی علمی و فنی است و رعایت حقوق مادی و معنوی دانشگاه و پژوهشگران، لازم است اعضای هیأت علمی، دانشجویان، دانش‌آموختگان و دیگر همکاران طرح، در مورد نتایج پژوهش‌های علمی که تحت عناوین پایان‌نامه، رساله و طرح‌های تحقیقاتی با هماهنگی دانشگاه انجام شده است، موارد زیر را رعایت نمایند:

ماده ۱- حق نشر و تکثیر پایان‌نامه/ رساله و درآمدهای حاصل از آنها متعلق به دانشگاه می‌باشد ولی حقوق معنوی پدید آورندگان محفوظ خواهد بود.

ماده ۲- انتشار مقاله یا مقالات مستخرج از پایان‌نامه/ رساله به صورت چاپ در نشریات علمی و یا ارائه در مجامع علمی باید به نام دانشگاه بوده و با تایید استاد راهنمای اصلی، یکی از اساتید راهنما، مشاور و یا دانشجو مسئول مکاتبات مقاله باشد. ولی مسئولیت علمی مقاله مستخرج از پایان‌نامه و رساله به عهده اساتید راهنما و دانشجو می‌باشد.

تبصره: در مقالاتی که پس از دانش‌آموختگی بصورت ترکیبی از اطلاعات جدید و نتایج حاصل از پایان‌نامه/ رساله نیز منتشر می‌شود نیز باید نام دانشگاه درج شود.

ماده ۳- انتشار کتاب، نرم افزار و یا آثار ویژه (اثری هنری مانند فیلم، عکس، نقاشی و نمایشنامه) حاصل از نتایج پایان‌نامه/ رساله و تمامی طرح‌های تحقیقاتی کلیه واحدهای دانشگاه اعم از دانشکده ها، مراکز تحقیقاتی، پژوهشکده ها، پارک علم و فناوری و دیگر واحدها باید با مجوز کتبی صادره از معاونت پژوهشی دانشگاه و براساس آئین‌نامه‌های مصوب انجام شود.

ماده ۴- ثبت اختراع و تدوین دانش فنی و یا ارائه یافته‌ها در جشنواره‌های ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی که حاصل نتایج مستخرج از پایان‌نامه/ رساله و تمامی طرح‌های تحقیقاتی دانشگاه باید با هماهنگی استاد راهنما یا مجری طرح از طریق معاونت پژوهشی دانشگاه انجام گیرد.

ماده ۵- این آیین‌نامه در ۵ ماده و یک تبصره در تاریخ ۸۷/۴/۱۸ در شورای پژوهشی و در تاریخ ۸۷/۴/۲۳ در هیأت رئیسه دانشگاه به تایید رسید و در جلسه مورخ ۸۷/۷/۱۵ شورای دانشگاه به تصویب رسیده و از تاریخ تصویب در شورای دانشگاه لازم‌الاجرا است.

«اینجانب ..... دانشجوی رشته ..... و رودی سال تحصیلی .....»  
مقطع ..... دانشکده ..... متعهد می‌شوم کلیه نکات مندرج در آئین‌نامه حق مالکیت مادی و معنوی در مورد نتایج پژوهش‌های علمی دانشگاه تربیت مدرس را در انتشار یافته‌های علمی مستخرج از پایان‌نامه / رساله تحصیلی خود رعایت نمایم. در صورت تخلف از مفاد آئین‌نامه فوق‌الاشعار به دانشگاه وکالت و نمایندگی می‌دهم که از طرف اینجانب نسبت به لغو امتیاز اختراع بنام بنده و یا هر گونه امتیاز دیگر و تغییر آن به نام دانشگاه اقدام نماید. ضمناً نسبت به جبران فوری ضرر و زیان حاصله بر اساس برآورد دانشگاه اقدام خواهم نمود و بدینوسیله حق هر گونه اعتراض را از خود سلب نمودم»

امضا: .....  
تاریخ: ۱۳۸۷/۱۱/۲۴



دانشکده : علوم انسانی

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته: علوم اجتماعی گرایش: جامعه شناسی

## عنوان پایان نامه:

موانع نهادینه شدن جامعه مدنی در ایران: مطالعه موردی بین سال های ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۸

استاد راهنما:

دکتر علی ساعی

استاد مشاور

دکتر علی محمد حاضری

نام دانشجو:

حبیب الله آقامحمدی

تیر ۱۳۹۰

## تقدیر و تشکر

در این بخش از این پایان نامه بر خود فرض می‌دانم که از همه اساتیدم در این دوره تحصیلی تشکر کنم. خصوصاً بر خود فرض می‌دانم که از استاد راهنمایم دکتر ساعی نهایت تشکر و سپاس را داشته باشم، چندان که باید بگویم اگر راهنمایی‌ها و مساعدت‌های ایشان نبود این تحقیق هرگز به سرانجام نمی‌رسید. همچنین بر خود لازم می‌دانم از استاد مشاورم دکتر حاضری نیز به خاطر تذکرات عالمانه تشکر کنم. سعادت همه این عزیزان را آرزومندم.

## چکیده

مساله مورد تبیین در این تحقیق، موانع جامعه مدنی در ایران می‌باشد. شکل‌گیری جامعه مدنی بر این اصل استوار است که دولت‌مردان و صاحبان قدرت خطاپذیر هستند و امکان دارد در اموری که از جانب مردم به آنان محول شده است، دچار اشتباه شوند. از این رو عملکرد دولت‌مردان به صورت پیوسته باید توسط مردم نقد و بررسی شود. سؤال این تحقیق تحت عنوان «چرا جامعه مدنی در ایران نهادینه نشده است؟» بیان شده است. در پاسخ به این سؤال و بر اساس چارچوب نظری ارائه شده، فرضیه این تحقیق چنین می‌باشد: «در ایران دولت رانتیر از طریق اعمال سرکوب مانع از نهادینه شدن جامعه مدنی می‌شود.» روش گردآوری داده‌ها در این پژوهش به صورت اسنادی و روش تحلیل به شکل تاریخی می‌باشد. در این تحقیق از دو نوع روش تاریخی استفاده شده است: روایتی و توافقی؛ روش تحلیل روایتی برای تحلیل درون دوره‌ای و روش تحلیل توافقی برای تحلیل بین دوره‌ای. واحدهای تحلیل در این تحقیق سال‌ها و دوره‌های ریاست جمهوری ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۸ می‌باشد. همچنین واحدهای مشاهده روزنامه‌ها و وبگاه‌های اینترنتی می‌باشند. یافته‌های تجربی این تحقیق بیانگر این است که جامعه مدنی در ایران دارای وضعیت پرابلماتیک می‌باشد، و دولت ایران در مقام یک دولت رانتیر از طریق سرکوب مانع از نهادینه شدن آن می‌شود. با این حال، یافته‌های تجربی نشان می‌دهند که دولت رانتیر ایران چنان نیست که هرگاه درآمدهای نفتی کاهش پیدا می‌کند سرکوب را کاهش می‌دهد و هرگاه این درآمدها افزایش پیدا می‌کند سرکوب‌ها را افزایش می‌دهد.

**کلید واژگان:** جامعه مدنی، دولت رانتیر، سرکوب

## فهرست مطالب

صفحه

عنوان

### فصل اول: طرح مسئله

بیان مسئله ..... ۲

### فصل دوم: ادبیات نظری تحقیق و مبانی نظری

۱-۲- تئوری های مربوط به جامعه مدنی ..... ۱۲

۲-۲- تئوری های مربوط به دولت رانتیر ..... ۲۳

۳-۲- ارزیابی انتقادی تئوری ها ..... ۳۳

۱-۳-۲ ارزیابی انتقادی تئوری های جامعه مدنی ..... ۳۳

۲-۳-۲ ارزیابی انتقادی تئوری ها دولت رانتیر ..... ۳۶

۴-۲- فرموله کردن چارچوب نظری ..... ۳۸

۵-۲- فرضیه تحقیق ..... ۴۲

### فصل سوم: چارچوب روش تحقیق

۱-۳- معرف های تجربی مفاهیم ..... ۴۴

۲-۳- روش گردآوری داده ها ..... ۴۵

۳-۳- روش تحلیل ..... ۴۵

۴-۳- واحدهای تحلیل ..... ۴۷



۴-۴- واحدهای مشاهده ..... ۴۳

### فصل چهارم: تحلیل تجربی تحقیق

۴-۴-۱- پیشینه دولت رانتیر در ایران ..... ۴۹

۴-۴-۲- پیشینه جامعه مدنی در ایران ..... ۵۲

۴-۴-۳- تحلیل درون دوره ای ..... ۵۸

۴-۳-۴-۱- سال های ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۰ ..... ۵۸

۴-۳-۴-۲- سال های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۴ ..... ۶۸

۴-۳-۴-۳- سال های ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۸ ..... ۷۵

۴-۴-۴- تحلیل بین دوره ای ..... ۸۵

### فصل پنجم: نتیجه گیری

۵-۱- نتیجه ..... ۹۶

۵-۲- یافته های عملی و پیشنهادها ..... ۹۸

۵-۳- محدودیت ها ..... ۹۹

۵-۴- پیشنهادهای پژوهشی ..... ۱۰۰

۵-۴- فهرست منابع ..... ۱۰۱

### فهرست نمودارها

نمودار شماره ۱: مدل نظری تحقیق ..... ۴۱

نمودار شماره ۲: نوع سرکوب های دولت رانتیر ..... ۹۸

نمودار شماره ۳: قیمت متوسط نفت به تفکیک سال ها ..... ۱۱۳

نمودار شماره ۴: میزان درآمدهای نفتی به تفکیک سال‌ها..... ۱۱۴

نمودار شماره ۵: تعداد نشریات توقیف شده به تفکیک سال‌ها..... ۱۱۵

### فهرست جدول‌ها

جدول شماره ۱: تحلیل توافقی بین دوره‌ای ..... ۹۳

جدول شماره ۲: آمار تشکل‌های سیاسی ..... ۱۱۱

جدول شماره ۳: درآمدهای نفتی دولت ایران ..... ۱۱۲

فصل اول

طرح مساله

در این فصل ابتدا به بیان مساله پرداخته می‌شود و مساله‌مند بودن موضوع تحقیق در دو سطح تئوریک و تجربی، با نگاهی به تحقیقات پیشین، اثبات می‌شود. آنگاه سؤال تحقیق طرح شده و اهداف تحقیق بیان می‌شوند. در پایان نیز، اهمیت و ضرورت این تحقیق نشان داده می‌شود.

## ۱-۱- بیان مساله

موضوع این نوشتار ناظر بر جامعه مدنی<sup>۱</sup> در ایران است. شکل‌گیری جامعه مدنی بر این اصل استوار است که دولت مردان و صاحبان قدرت خطاپذیر هستند و امکان دارد در اموری که از جانب مردم به آنان محول شده است، دچار اشتباه شوند. از این رو عملکرد دولت مردان به صورت پیوسته باید توسط مردم نقد و بررسی شود (شارپ و هلوی، ۱۳۸۶: ۲۰). جامعه مدنی، کانال‌های مشارکت مردمی و تحقق ارزش‌های دموکراتیک را در زندگی سیاسی فراهم می‌سازد (ساعی، ۱۳۸۶: ۲۱۳).

جامعه مدنی در حیات سیاسی و اجتماعی غرب معانی مختلف داشته است. پیش از دوره مدرن، قوام جامعه مدنی به وجود دولت بوده و دولت جزء اجتناب ناپذیر آن به شمار می‌آمد. اما در دوران مدرن، مفهوم جامعه مدنی، رفته رفته قلمرو مستقلی از دولت برای خود یافت و در اندیشه افرادی همچون هابز، لاک و روسو با مفهوم قرارداد اجتماعی گره خورد. اما به باور برخی از اندیشمندان تلقی رایج و مدرن کنونی از جامعه مدنی کاملاً در همان مسیری است که برای نخستین بار هگل آن را آغاز کرد، یعنی استقلال جامعه مدنی از دولت و ارادی و اختیاری بودن شکل‌گیری آن. هابرماس یکی از مهم‌ترین تئوری پردازان حوزه جامعه مدنی است. «برداشت هابرماس از حوزه سیاسی برداشتی اساساً هگلی است. از دیدگاه هگل وظایفی که امروزه وظایف دولت رفاهی محسوب می‌گردد، متعلق به جامعه مدنی است که حوزه علایق خصوصی و جزئی به شمار می‌رود. در مقابل، دولت به معنای درست کلمه، حوزه سیاسی یا امر عمومی و کلی انضمامی است. حوزه سیاسی

---

<sup>1</sup>Civil society

به عنوان حوزه علایق کلی چیزی فراتر از حوزه اداری و اقتصادی یعنی حوزه علایق جزئی است. از دیدگاه

هابرماس نیز سیاست باید حوزه کلی انضمامی و یا علائق عمومیت پذیر باشد» (بشیریه، ۱۳۸۴b: ۲۳۵).

هابرماس جامعه مدنی را بر اساس قلمروی که در آن کنش ارتباطی<sup>۲</sup> شکل می‌گیرد تعریف می‌کند. کنش

ارتباطی برخلاف کنش ابزاری<sup>۳</sup> و کنش استراتژیک<sup>۴</sup> معطوف به توافق است. این توافق از نظر هابرماس باید در

قلمروی شکل بگیرد که نه تحت سلطه حوزه دولت و نه تحت سلطه حوزه اقتصاد باشد. در نظریه هابرماس،

این توافق بعد از شکل‌گیری، در قالب افکار عمومی، باید آزادانه انتشار بیابد (هابرماس، ۱۳۸۵: ۴۲) ساختار جامعه

مدنی در اندیشه هابرماس را می‌توان این‌گونه ترسیم کرد:

قلمرو آزاد <---< اجتماع شهروندان <---< کنش ارتباطی <---< توافق عموم <---< انتشار اعتقاد عموم

کنش ارتباطی در نظریه هابرماس نقش محوری دارد. این نوع از کنش مستلزم قلمروهایی است که

افراد آزادانه دست به کنش ارتباطی بزنند. به همین دلیل هابرماس در شکل‌گیری جامعه مدنی بورژوازی، برای

محافل بحث (در آلمان) سالن‌ها (در فرانسه) و قهوه‌خانه‌ها (در انگلستان) جایگاه ویژه‌ای قائل می‌شود (ر، ک

به: هابرماس، ۱۳۸۶: ۶۵). با این حال، هابرماس دولت و اقتصاد را مقابل جامعه مدنی قرار می‌دهد و اقتدارجویی

آنها را به زیان جامعه مدنی می‌داند. ما نیز در این تحقیق دولت را به عنوان مانع مهم جامعه مدنی انتخاب

کرده و در طول تحقیق به بررسی رابطه آن دو (دولت و جامعه مدنی) پرداخته‌ایم. البته چنان‌که خواهد آمد

منظور ما از دولت شکل خاصی از دولت تحت عنوان «دولت رانتیر» می‌باشد. بر این اساس، مدعای تبیینی ما

این است که جامعه مدنی در ایران نهادینه نشده است. نهادینه شدن جامعه مدنی دلالت بر وضعیتی دارد که در

---

<sup>۲</sup>Communicative action

<sup>۳</sup>Instrumental action

<sup>۴</sup>Strategic action

آن وضعیت، سازمان‌های جامعه مدنی چنان در ساختار قدرت تثبیت شده باشند که دیگر بخش‌های جغرافیای قدرت، قادر به نادیده گرفتن و حذف آن‌ها نباشند (رزاقی، ۲۰۰۷).

پژوهش‌های انجام گرفته در مورد جامعه مدنی دلالت بر این دارد که جامعه مدنی در ایران مساله‌مند است. این ادعا را می‌توان با رجوع به این پژوهش‌ها اثبات کرد.

محمد علیپور گرجی در پژوهش خود با عنوان جامعه مدنی، جامعه دینی (۱۳۷۹) مساله‌مند بودن جامعه مدنی را این‌گونه بیان می‌کند: «طرح جامعه مدنی در کشورهای اسلامی واکنش‌های متفاوت اندیشمندان اسلامی را در پی داشته است. گاهی جامعه مدنی از سطح علمی خود خارج می‌گردد و هر کس بنا بر سلیقه خود تعریفی از جامعه مدنی ارائه می‌دهد. طرفداران جامعه مدنی آن را به منزله جامعه خوبی‌ها مطرح کرده به گونه‌ای که در بردارنده تمام فضایل و خوبی‌هاست. در مقابل مخالفین جامعه مدنی آن را جامعه بدی‌ها فرض کرده و همه بدی‌ها و نقص‌ها را به آن نسبت می‌دهند».

موسی غنی‌نژاد در کتاب جامعه مدنی، آزادی، اقتصاد و سیاست (۱۳۷۸) همچون علیپور گرجی مساله‌مند بودن جامعه مدنی را از حیث مفهوم مورد مذاقه قرار می‌دهد و خاطر نشان می‌کند که «غفلت از مبانی جامعه عقلی و تاریخی جامعه مدنی موجب شده است که عده‌ای از روشنفکران و سخنوران خواسته‌ها و آرزوهای سیاسی درست و نادرست خود را بدون هیچ محملی به مفهوم جامعه مدنی ربط دهند ... این نگرانی روز به روز بیشتر می‌شود که بر سر جامعه مدنی در کشور همان آید که بر سر مفاهیم اساسی دنیای جدید مانند آزادی، دموکراسی، لیبرالیسم و غیره رفته است، یعنی مخدوش کردن و حتی وارونه جلوه دادن بنیادهای مفهومی آن».

کوروش عزیززی در پژوهش خود تحت عنوان تفرقه نخبگان سیاسی حاکم و عدم گذار به جامعه مدنی در ایران ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ (۱۳۷۸) می‌گوید: «با نگاهی کلی به تاریخ معاصر ایران (از مشروطه تا پیش از انقلاب اسلامی) می‌توان ادعا نمود که سه بار مولفه‌های و شاخص‌هایی که بیانگر نوعی از توسعه یافتگی محدود سیاسی می‌باشند پدیدار گشته‌اند اما هر سه بار به واسطه تسلط مجدد نیروهای ضد توسعه فرآیند مذکور به تحقق جامعه مدنی نینجامیده است، و حیات سیاسی دچار نوعی عقب‌گرد و نوستالژی سیاسی به سنت تاریخی حکومتی خویش یعنی دسپتویسم پدرسالارانه شده است».

علی‌رضا نامور حقیقی در پژوهش خود با نام موانع رشد جامعه مدنی در ایران؛ ظهور و افول نخستین جلوه‌های جامعه مدنی ۱۸۶۰ تا ۱۹۲۰ (۱۳۷۲) می‌نویسد: «دولت ایران در قرن بیستم به دلایلی که از حوزه تحقیق ما خارج است شکل مطلقه‌ای به خود گرفت و از رشد جامعه مدنی جلوگیری کرد؛ هر چند با مقاومت جامعه مدنی روبرو گردید؛ از سوی دیگر ساختار فرهنگی و فکری اجتماعی ایران نیز به نوعی مشوق تضعیف نهادهای جامعه مدنی بوده است».

رسول افضل‌ی در پژوهش خود با عنوان موانع مشترک شکل‌گیری جامعه مدنی در خاورمیانه: ایران، ترکیه، مصر (۱۳۷۷) بسیار کوتاه به مسأله‌مند بودن جامعه مدنی اشاره می‌کند و می‌گوید: «شکی نیست که عقب ماندگی جامعه مدنی در کشورهای خاورمیانه مورد اتفاق تمام محققین است».

علی محمدزاده در پژوهش خود با نام تناقض‌های موجود در گفتمان جامعه مدنی در جمهوری اسلامی ایران (۱۳۶۲) با اشاره به دوران بعد از انقلاب اسلامی می‌آورد: «ساختار سیاسی ایران به دلیل داشتن ویژگی‌های چون منابع قدرت متمرکز، حاکمیت دوگانه، تصلب ساختارهای غیرانتخابی و وجود خط قرمزها، و از طرفی فرهنگ سیاسی غیردموکراتیک (انقیاد، تفکیک شهروندان، تشکل‌ستیزی، چندپارگی فرهنگی و...) از

سوی دیگر تناقضات و محدودیت‌های موجود در ساختار حقوقی، مانع توسعه و گفتمان جامعه مدنی شده است... جدای از ساختار حقوقی-سیاسی جمهوری اسلامی ایران فرهنگ سیاسی نیز از عواملی است که موجب بدبینی نسبت به تحقق و گسترش فعالیت‌های مدنی و توسعه دموکراتیک شده است».

به استناد شواهد ارائه شده می‌توان مسأله‌مند<sup>۵</sup> بودن جامعه مدنی را از حیث نظری مورد استناد قرار داد. اما از آنجایی که دوره زمانی پژوهش ما با این پژوهش‌ها متفاوت می‌باشد، همچنین به منظور این‌که پژوهش ما به مثابه یک امر فرایندی در ادامه پژوهش‌های قبلی تعریف شود، ما در این بخش مسأله‌مند بودن جامعه مدنی را از حیث تجربی مورد مذاقه قرار می‌دهیم.

احزاب، مطبوعات و NGOs از مهم‌ترین نهادهای جامعه مدنی محسوب می‌شوند. در ایران ما در دوره‌ای شاهد افزایش چشمگیر سازمان‌های غیردولتی<sup>۶</sup> بودیم. به عنوان نمونه از افزایش این سازمان‌ها می‌توان به سازمان‌های غیردولتی زنان اشاره کرد که از ۶۷ مورد در سال ۱۳۷۶ به ۲۴۸ سازمان در سال ۱۳۷۹ رسید و میزان رشدی معادل ۳۲۰ درصد در فاصله ۳ سال را نشان می‌دهد. تعداد این سازمان‌ها تا پایان دوره دوم ریاست جمهوری خاتمی به بیش از ۴۸۰ سازمان رسید که در مقایسه با ۱۳۷۶ رشد ۶۱۶ درصدی داشته است (صادقی، ۱۳۸۵: ۴۶). در مورد احزاب نیز چنین بود. نگاهی به آمار احزاب و تشکل‌های سیاسی نشان می‌دهد که ما در دوره اصلاحات رشدی نزدیک به ۸۰ درصدی داشتیم. با این حال، به رغم افزایش چشمگیر سازمان‌های غیردولتی و احزاب، نتایج حاصل از انتخابات شوراها، مجلس هفتم و انتخابات ریاست جمهوری حاکی از اُفت مشارکت سیاسی است. میزان مشارکت در انتخابات مجلس شورای اسلامی از ۶۷ درصد دور ششم، به ۵۱ درصد دور هفتم و ۶۰ درصد دور هشتم کاهش یافت. همچنین میزان مشارکت در انتخابات

---

<sup>۵</sup>Problematic

<sup>۶</sup>Non Governmental Organization



ریاست جمهوری از ۷۹ درصد دور هفتم، به ۶۷ درصد دور هشتم، و ۶۲ درصد (در دور اول) و ۵۹ درصد (در دور دوم) دور نهم کاهش یافت. همچنین ما در انتخابات شوراهای شهر و روستا نیز شاهد نزول از مشارکت ۶۴ درصدی دور اول، به مشارکت ۴۹ درصدی در دور دوم هستیم (وبگاه مرکزی وزارت کشور). این آمار نشان می‌دهد که نهادهای مدنی، خصوصاً احزاب و NGOs، نتوانسته‌اند در امر مشارکت سیاسی حضور فعال داشته باشند. همین مساله، خواه به دلیل مانع شدن نهادهای قدرت باشد و خواه به دلیل بی‌علاقگی خود این نهادها، در هر صورت می‌تواند نشان از این باشد که جامعه مدنی در ایران نهادینه نشده است. مطبوعات نیز به عنوان رکن چهارم دموکراسی وضعیتی شبیه به احزاب و NGOs دارند. آن‌ها نیز از سوی نهادهای قدرت جدی در نظر گرفته نمی‌شوند و بلکه مورد سرکوب واقع می‌شوند. به عنوان نمونه در طول دوران اصلاحات یعنی بین سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۴، بیش از ۱۰۰ عنوان نشریه، و در طول ۲ سال اول ریاست جمهوری احمدی-نژاد بیش از ۵۰ نشریه توقیف و یا لغو امتیاز شده‌اند (مطبوعات از نگاه آمار، گزارش‌های وضعیت مطبوعات در ایران). افزون بر این شواهد، سرمایه اجتماعی نیز می‌تواند شاهدی دیگر بر مدعای تبیینی ما (نهادینه نشدن جامعه مدنی) باشد. چون بر اساس نظرات اندیشمندانی همچون رابرت پاتنام، بین سرمایه اجتماعی و جامعه مدنی رابطه‌ای غیرقابل انکار وجود دارد. به طوری که از نظر پاتنام، تنها در جایی می‌توانیم شاهد رشد و کارایی نهادهای مدنی باشیم که سرمایه اجتماعی قوی باشد (عطاری، ۱۳۸۸: ۱۳۹). با این حال تحقیقات متعددی نشان می‌دهند که سرمایه اجتماعی در ایران بعد از انقلاب سیر نزولی داشته است (سعادت، ۱۳۸۷ و دینی ترکمانی، ۱۳۸۵ و عبداللهی و موسوی، ۱۳۸۸). حال بر اساس مدعای تبیینی و شواهد ارائه شده، ما سؤال این تحقیق را چنین مطرح می‌کنیم:

چرا جامعه مدنی در ایران نهادینه نشده است؟

اهداف این تحقیق به شرح زیر می‌باشند:

۱- بررسی دولت به عنوان علت نهادینه نشدن جامعه مدنی، با تاکید بر شکل خاصی از دولت با

عنوان دولت رانتیر؛

۲- بررسی مکانیسم مانع شدن دولت برای نهادینه شدن جامعه مدنی، با تاکید بر شکل خاصی از

دولت با عنوان دولت رانتیر.

در مورد اهمیت و ضرورت این پژوهش نیز باید بگوییم جامعه مدنی همواره بخش مهمی از زندگی سیاسی و اجتماعی ایران بوده است، زیرا با موانعی که در طول تاریخ برای گسترش نفوذ دولت به وجود آمده، بسیاری از عوامل تشکیل دهنده جامعه مدنی مجال رشد یافته و گروه‌ها، انجمن‌ها و سازمان‌های بسیاری، بیرون از دسترس مستقیم دولت، به فعالیت مشغول شده‌اند. علایق مشترک حرفه‌ای، خانوادگی، قبیله‌ای، مذهبی و سیاسی را باید از جمله دلایل پیدایش این‌گونه انجمن‌ها دانست. دست کم از دوره مشروطیت جامعه ایران‌دگر استقرار جامعه مدنی به معنای مدرن بوده است. با این حال این مجادلات تاکنون به نتیجه‌ای مثبت، بدان معنی که جامعه به درستی دوره گذار را به انجام برساند، نرسیده است. اگر بخواهیم ناکامی جامعه ایران را در این فرآیند دقیقاً مورد بررسی و تحلیل قرار دهیم، باید عواملی همچون استبداد دولت‌ها، اوضاع سیاسی، اوضاع اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی را به طور دقیق کالبدشکافی کنیم. اما چنان‌که در ادامه نیز اشاره خواهد شد ما در این پژوهش این مساله را فقط از بُعد اقتصادی مورد پژوهش قرار خواهیم داد.

جامعه مدنی ایده‌ای جدید و یکی از دستاوردهای نوین بشری است، اما بر مفاهیمی ریشه‌دار در تاریخ بشر ابتناء دارد. آزادی، حقوق فردی، قائل شدن به نوعی اصالت و استقلال برای فرد<sup>۷</sup>، حق دخالت فرد در حوزه‌ای فراتر از حوزه شخصی، از جمله این مفاهیم هستند. به عنوان مثال آزادی در طول تاریخهدف و

---

<sup>7</sup> Individual

آروزی بشر بوده است. انسان‌ها همواره کوشیده‌اند تا در برابر قدرت سیاسی که بنابر سرشت خویش تمایل به بسط و گسترش دارد از خود محافظت کنند. مثلا ایجاد مصونیت برای طبقات و اقشاری از جامعه در برابر قدرت پادشاه به عنوان سنت و حریمی که قابل خدشه نباشد، بر اساس چنین نیازی صورت گرفته بود. آزادی آریستوکرات‌ها و کشیشان در ابراز نظر، و مصونیت آنان در برابر قدرت پادشاه و امپراتور، از آن جمله هستند. در دوره‌مدن، ایده‌ای که برای حفظ حریم آزادی‌در برابر قدرت سیاسی برگزیده شده است، ایده قدرت محدود و مشروط می‌باشد. اما سؤال مهم این است که چه تضمینی دارد تا قدرت سیاسی به حدود و شروط قدرت خود ملتزم بماند؟ طبیعی است که قانون فی نفسه نمی‌تواند ضمانتی عینی و قابل اعتماد در این زمینه به شمار آید. به ویژه آن‌که در دوران جدید حکومت تعریف و ماهیتی متفاوت یافته و قدرت سیاسی<sup>۸</sup> از حالت فردی به صورت نهاد<sup>۹</sup> درآمده است. اگر در گذشته حکومت‌ها از طریق فرد یا افراد قدرت خویش را اعمال می‌کردند در دوران جدید حکومت‌ها از طریق نهادها و موسسات به اعمال قدرت می‌پردازند. ارتش منظم و حرفه‌ای، مراکز اطلاعاتی، موسسات تبلیغاتی، آموزش و پرورش و رسانه‌های گروهی از جمله نهادهایی هستند که از طریق محدود کردن حقوق و آزادی افراد و بازتولید ایدئولوژی قدرت حاکم وظیفه بسط اقتدار حکومت را بر عهده دارند. از این‌رو به نظر می‌رسد در برابر چنین حکومتی که ماهیتی نهادی یافته است، جز به وسیله نهادهای اجتماعی نمی‌توان از حقوق و آزادی‌های فردی و اجتماعی محافظت کرد (جمعی از مولفان، ۱۳-۱۳۷۸:۱۲).

بر اساس مطالب پیش‌گفته، امروزه در ایران تحقیق درباره جامعه مدنی هم اهمیت علمی دارد و هم از ضرورت اجتماع‌پیرخوردار است. از آن‌رو که جامعه ایران در یک قرن اخیر شاهد حرکت‌ها و جنبش‌های اصلاح طلبانه و انقلابی گوناگونی بوده است و در تمامی آن‌ها تلاش شده است تا توزیع قدرت سیاسی به

---

<sup>۸</sup> Political power

<sup>۹</sup> Institution

نیروهای جامعه مدنی تغییر جهت دهد. با این حال چه در عصر مشروطیت و چه در دوره پهلوی و چه در جمهوری اسلامی موانع متعددی دست به دست هم داده‌اند تا مانع از تحقق این امر بشوند (ازغندی، ۱۳۸۹: ۷۲). به نظر ما از بین این موانع، رانتیر<sup>۱۰</sup> بودن دولت بیش از دیگران مهم می‌نماید. در این رویکرد مهم‌ترین وجه شناخت سیاست، چه در سطح داخلی و چه حتی در سطح بین‌المللی، ساختار اقتصادی حاکم می‌باشد. به ویژه که در منطقه خلیج فارس به علت شرایط جغرافیایی این رابطه تنگ‌تر می‌شود. در این منطقه وجود ذخایر عظیم انرژی «نظام اجتماعی، سیاست خارجی، و عموم جهت‌گیری‌ها» را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد (میرترابی، ۱۳۸۷). از سوی دیگر بعد از دوم خرداد سال ۱۳۷۶ جامعه مدنی از بحثی صرفاً آکادمیک و نظری به یکی از مطالبات توده مردم ایران بدل شده است. در آن زمان سید محمد خاتمی در برنامه‌های خود هم خواستار استقرار و توسعه جامعه مدنی در ایران شد و هم آن را به سایر کشورهای اسلامی توصیه کرد. در چنین فضایی انتظار می‌رفت که مباحث نظری معطوف به واقعیت‌های جاری در ایران بیش از پیش مطرح گردد و جامعه مدنی از ابعاد گوناگون مورد بررسی قرار گیرد. با این حال به نظر می‌آید برای پژوهش‌های گوناگون با محوریت جامعه مدنی، هنوز جا بسیار است؛ خصوصاً پژوهش‌هایی که رابطه جامعه مدنی را از نقطه‌نظر دولت رانتیر<sup>۱۱</sup> مورد پژوهش قرار دهند. بر همین اساس ما در این پژوهش جامعه مدنی را طی سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۸ از نقطه‌نظر دولت رانتیر مورد پژوهش قرار خواهیم داد. پژوهش‌هایی با این موضوع و در این محدوده زمانی انگشت شمارند.

---

<sup>10</sup> Rentier

<sup>11</sup> Rentier state